



حسن سده

گردآورده:

احمد افشار شیرازی - ابراهیم پورداود - اوانس حق نظریان
محمد دبیر سیاقی - منوچهر ستوده - ذبیح‌الہ صفا - ہانری کرین
محمد کیوانپور مکری - محمد جواد مشکور - محمد معین - مصطفیٰ مقربی

مقدمہ از دکتر محمد جعفر یاحقی

بہ کوشش: محمد رضا توسلی

جشن‌ها و نیایش‌ها، شادی‌ها و خوشدلی‌ها؛ به‌ویژه آن‌ها که بر بنیاد همدلی و مهربانی استوار بود. همه به‌روشی نیکو برپاداشته‌می‌شد و مردمان این سرزمین، خود را و مهربانی‌های یکدیگر را در آئینه آن می‌دیدند بنابراین از هرفرصتی برای یادآوری نیکی‌ها و خوش‌آمدها و خوش‌آمدها سود می‌بردند و به هر بهانه‌ای، بهای خوی‌های همگانی و دستاوردهای گران‌زندگی خیز را فزون‌تر می‌کردند. بیشترین سنت‌های پیشینیان ما و از آن جمله، همه جشن‌ها و آئین‌های ملی، مبتیای نیایشی و اهورایی داشته‌است. ما این جشن‌های نیایشی را فراموش کرده یا به سایه‌ای و سیاهه‌ای از آن بسنده کرده‌ایم. فراموش کردن این زیبایی‌ها، یعنی از یادبردن خویشتن خویش، یعنی برگه هویت و شناسنامه خود را با دست خود در آتش انداختن؛ یعنی از یادبردن آنکه پدران ما که بودند، چگونه می‌زیستند و زندگی را چطور می‌دیدند و ...



9 786003 062276

بسم الله الرحمن الرحيم

جشن سده

گردآورده:

احمد افشار شیرازی، ابراهیم پورداود، دکتر اوانس حق نظریان،
محمد دبیرسیاقی، منوچهر ستوده، دکتر ذبیح الله صفا،
هانری کربن (Henry Corbin)، محمد کیوانپور مَکری،
محمود جواد مشکور، دکتر محمد معین، مصطفی مقرّبی

با مقدمه: دکتر محمد جعفر یاحقی

به اهتمام: محمد رضا توسلی

عنوان و نام پدیدآور: جشن سده / گردآورده احمد افشار شیرازی... [و دیگران]؛ با مقدمه محمد جعفر یاحقی.
 مشخصات نشر: رشت: بلور، ۱۳۹۳.
 مشخصات ظاهری: ۱۵۲ص.
 شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۳۰۶-۲۲۷-۶
 وضعیت فهرست نویسی: قیفا
 یادداشت: گردآورده احمد افشار شیرازی، اوانس حق نظریان، محمد دبیرسیاقی، منوچهر ستوده، ذبیح الله صفا، هانری کرین، محمد کیوانپور مگری...
 یادداشت: کتابنامه به صورت زیر نویس.
 یادداشت: نمایه.
 موضوع: سده
 موضوع: آتش -- جنبه های مذهبی -- زردشتی
 موضوع: جشن ها -- ایران
 شناسه افزوده: افشار شیرازی، احمد
 شناسه افزوده: یاحقی، محمد جعفر، ۱۳۲۶-، مقدمه نویس
 رده بندی کنگره: ۴۸۷۴GT/۲۱ج۴۶ ۱۳۹۳
 رده بندی دیویی: ۳۹۴/۲۶۹۵۵
 شماره کتابشناسی ملی: ۳۵۴۵۰۹۱

جشن سده

نویسندگان: احمد افشار شیرازی، ابراهیم پورداود،
 اوانس حق نظریان، محمد دبیرسیاقی، منوچهر ستوده،
 ذبیح الله صفا، هانری کرین، محمد کیوانپور مگری،
 محمود جواد مشکور، دکتر محمد معین، معطفی مغربی
 به اهتمام: محمدرضا توسلی
 ناشر: انتشارات بلور
 چاپ اول: ۱۳۲۴/انجمن ایران شناسی
 چاپ دوم: ۱۳۹۳
 چاپ و صحافی: چاپ زیتون
 شمارگان: ۱۰۰۰
 قیمت: ۸۰۰۰ تومان

نشانی: رشت، خیابان امام خمینی، کوی آفتاب، جنب مسجد، انتشارات بلور
 همراه: ۰۹۱۲۱۹۷۵۱۲۳ فکس: ۲۲۵۶۶۱۷ تلفن: ۲۲۴۵۵۷۵-۰۱۳۱
 Email: boloor.publications@gmail.com

فهرست مطالب

ز هوشنگ مانند این سده یادگار.....	۷
به نام دادار جهان، به یاد ایران باستان.....	۱۵
دیاچه.....	۲۱
۱- اشتقاق سده.....	۲۳
۲- وجه تسمیه سده.....	۲۷
۳- هنگام سده.....	۳۱
۴- مراسم سده.....	۳۷
الف- مراسم سده در قدیم.....	۳۸
ب- مراسم سده در عصر حاضر.....	۴۱
۵- تاریخچه سده.....	۴۵
الف- افسانه‌های مربوط به سده و واضع آن.....	۴۵
ب- تاریخچه سده در متون.....	۴۷

- ۶- سده در عصر حاضر ۶۱
- الف - جشن سده نزد زرتشتیان ۶۱
- ب - جشن سده در شهرستان‌های ایران ۶۱
- ۷- سده در متون پارسی ۶۵
- ۸- سده در متون عربی ۷۱
- ۹- سده در اشعار پارسی ۸۳
- ۱۰- سده در شعرهای تازی ۱۰۹
- ۱۱- آتش افروزی ۱۱۷
- الف - آتش افروزی و جشن‌های آتش ایران ۱۱۷
- ب - آتش افروزی در اروپا ۱۳۹
- ج - آتش افروزی نزد ارمنیان ۱۴۶
- فهرست نام کسان، کتاب‌ها و جای‌ها ۱۵۱

زهوشنگ ماند این سده یادگار

جوان ترها حق دارند به مابشت کنند، خود کرده را درمان نیست؛ مگر ما از پدران مان فاصله نگرفته و به آن ها پشت نکرده ایم؟ مگر ما لباس و خوراک و سنت های زندگی نیاکان مان را به کناری نهاده و چیزهای دیگری را به جای آن برنگزیده ایم؟ بریدن و پشت کردن همه اش این نیست که به کسی ناسزا بگوییم. وقتی از سنت های آن ها پاکنار می کشیم وقتی فراموش می کنیم که آن ها به چه چیزهایی دلخوش و از چه چیزهایی ناخرسند بوده اند، این خود نمونه آشکار پشت کردن است. آن ها دروغ و ناراستی و بیماری را اهریمنی می دانستند و از آن بشدت پرهیز می کردند، آن ها شادی را دوست می داشتند و اندوه را در سپاه اهریمن می دیدند، آن ها روشنی را گرامی می داشتند و از تاریکی و سیاهی و مرض بیزار بودند، داد و دوستی را برای همگان می خواستند و از دشمنی و کینه ورزی دوری می جستند؛ و امروز ما با بسیاری از این

خوی‌های اهریمنی به آسانی کنار می‌آییم که بماند، آن‌ها را اهورائی و آسمانی نیز می‌پنداریم.

جشن‌ها و نیایش‌ها، شادی‌ها و خوشدلی‌ها؛ به‌ویژه آن‌ها که بر بنیاد همدلی و مهربانی استوار بود، همه به‌روشی نیکو برپا داشته می‌شد و مردمان این سرزمین خود را و مهربانی‌های یکدیگر را در آئینه آن می‌دیدند بنا براین از هر فرصتی برای یادآوری نیکی‌ها و خوش‌آمدها و خوش‌آمدها سود می‌بردند و به هر بهانه‌ای بهای خوی‌های همگانی و دستاوردهای گران زندگی خیز را افزون‌تر می‌کردند.

بیشترین سنت‌های پیشینیان ما و از آن جمله همه جشن‌ها و آئین‌های ملی مبنایی نیایشی و اهورایی داشته‌است. ما این جشن‌های نیایشی را فراموش کرده یا به سایه‌ای و سیاهه‌ای از آن بسنده کرده‌ایم. فراموش کردن این زیبایی‌ها یعنی از یادبردن خویشتن خویش، یعنی برگه هویت و شناسنامه خود را با دست خود در آتش انداختن؛ یعنی از یادبردن آنکه پدران ما که بودند، چگونه می‌زیستند و زندگی را چگونه می‌دیدند و به چه چیزهایی دل‌گرم می‌داشتند. همه سرفرازی‌هایی که ما را در درازای تاریخ سرپا نگه داشته و ایرانی بودنمان را به جهانیان نشان داده به همین آئین‌ها و زیبایی‌های آن بازسته‌است. ایرانی بودن یعنی تاریخ داشتن، یعنی با زندگی کنار آمدن و بر همه ناراستی‌ها و ناروایی‌ها چیرگی یافتن؛ این کجایش ناخوب و نادلپذیر و کنار گذاشتنی است؟

از نوروز تنها نامی و سایه‌ای مانده است، جشن نوروز در سپهر زندگی ما جای خود را ازدست داده و بسیار نزار و لاغرمیان شده است، در همین زندگانی کوتاه خود اندک‌اندک ناظر کاهیدن این تنِ نزار بوده‌ایم. این درحالی است که دیگر ملت‌های آریائی‌نژاد که هنوز خود را فراموش نکرده‌اند، یعنی تاجیکان و افغانان و ترکمن‌ها و ارامنه، آذری‌ها و گرجی‌ها و... به آن بها می‌دهند و کم‌کم دارد کار به جایی می‌رسد که از نوروز هم بمانند «تار» و «نرد» و «چوگان» و... چیزی برای ما باقی نماند. خاکستر «سده» اما در اندیشه فرهنگی ما به کلی برباد رفته و سیل بنیان‌کن اندیشه‌های ناخوب وارداتی گردی هم از آن برجای نگذاشته است. اگر همین هم‌میهنان زردشتی پاک‌نهاد ما نبودند و با چنگ و دندان از این سنت دیرینه‌سال آریائی پاسداری نمی‌کردند امروز نامی هم از آن برجای نبود. سده یادگار فیروزی‌ها و سربلندی‌های فرهنگ ایرانی و رگه اصلی هویت آریائی ما بوده است. شاهنامه (۳۰/۱) می‌گوید که این جشن به یادگار پیدایی آتش در دوران سرد زندگی آغازین بشر برپا داشته شده است. هوشنگ پس از آنکه در یک رویداد خوش به آتش دست پیدا کرد،

یکی جشن کرد آن‌شب و باده‌خورد

سده نام آن جشن فرخنده کرد

ز هوشنگ ماند این سده یادگار

بسی باد چون او دگر شهریار

مناسبت جشن سده را دیگرانی در آن دانسته‌اند که آن روز که شمار فرزندان کیومرث (انسان نخستین) به صد رسید، به فرخندگی این رویداد، جشنی برپا داشته شد، و ابوریحان نوشته است (التفهیم، ۱۳۶۲، ۲۵۷) به مناسبت آنکه از آن روز تا نوروز پنجاه روز و پنجاه شب مانده است، و این که در این روز فرزندان پدر نخستین صد تن تمام شدند. و سبب آتش کردن در این روز آن است که بیوراسب (ضحاک) در سرزمین خویش فرموده بود هر روز دو مرد را بکشند و مغز آنان را بر زخم شانه‌های وی بگذارند (به روایت شاهنامه ۵۶/۱: به ماران رسته بر دوش او بدهند).

ضحاک خوالیگری (آشپزی) داشت نیک‌دل و نیک‌کردار، ارمایل نام، که هر روز یکی از این جوانان را نمی‌کشت و پنهان به دماوند کوه می‌فرستاد.

چون فریدون بر ضحاک چیره شد و او را به بند کشید، ارمایل را بگرفتند و سرزنش کردند. گفت: توانائی من آن بود که از دو کشته یکی را برهانیدمی و همگی ایشان در پس کوهند. با وی کسان فرستادند تا به درستی سخن او گواهی دهند. او کسی را پیش فرستاد و بفرمود تا هر کسی از آن رستگان بر بام خانه خویش آتش افروختند، زیرا که شب بود و خواست تا بسیاری ایشان پدید آید. کاری که ارمایل کرده بود نزد فریدون پسند افتاد وی را آزاد کرد و بر تخت زرین نشاند.

اندکی بعد از بیرونی، شهرمدان بن ابی الخیر رازی هم در کتاب نجومی خویش موسوم به *روضة المنجمین*، (چاپ عکسی، ۱۳۶۸، ص ۳۷) به سال ۴۶۶ هجین داستان را آورده و افزوده است که: «فریدون این را جشنی فرمود کردن و رسمی شد و دانایان چون بدیدند که اندرین وقت حال هوا بگردیده بود و چون آتش افروزند عفونات از هوا دور شود محکم تر گردانیدند تا از وبا ایمن باشند».

خجستگی تاراندن تاریکی و بیماری و یادآوری دفع زیان‌های ضحاک، نیاکان ما را بر آن داشته بود که به یاد آن خاطره‌ها جشنی برپا دارند و به شادی و آتش آفریزی پردازند. و آن جشن سده بود. ناسازگاری با سده، سازواری با ضحاکیان و دوستداری بیماری و وبا برای مردمان است. همین هم‌نسلان من، که بسی بیشتر و ژرفتر از امروزیان نومسلمان، به آئین‌های دینی تشیع هم پای‌بند بودند، بی آنکه تعارضی میان باورهای دینی خود با این سنت‌ها بیابند، نه خیلی دور، نیم‌سده‌ای پیشتر، در حاشیه همین کویر جنوب خراسان، جشن سده را با خوش دلی و آزادگی تمام در چارچوب توانایی‌های ناچیز خویش برپا می‌داشتند و برای شبی دلگرم‌کننده و روشنی‌بخشای، یعنی دهم بهمن ماه هر سال، لحظه شماری می‌کردند. آن‌ها هم بمانند پیشینیان این سنت را در چارچوب یادگاری‌های تقویمی می‌دیدند. حراره‌هایی که در شب آتش آفریزی زمزمه می‌کردند گویای همین پندار بود (یا حقی، آن سال‌ها، ۱۳۷۱، ص ۳۰): سده سده، صد به غله، پنجه (پنجاه) به نوروز.

آن‌ها می‌دانستند که به قول منوچهری دامغانی (دیوان، چاپ دیرسیاقی، ۲۱۹): «شب جشن سده را حرمت بسیار بود» و به این بهانه دلشان را به آمدن نوروز و رسیدن غله خوش می‌کردند و از زمان سده، یعنی پنجاه روز مانده به نوروز، به استقبال شادی می‌رفتند که طبیعت از آن‌ها دریغ می‌داشت و همزیان با منوچهری (همان، ۳۰) که هزار سال با آن‌ها فاصله داشت، می‌گفتند:

برلشکر زمستان نوروز نامدار

کردست رأی تاختن و عزم کارزار

وینک بیامدست به پنجاه روز پیش

جشن سده طلایه نوروز نامدار

همشهریان امروز من همین مقدار اندک را هم از یاد برده‌اند و دریغ

از این همه فراموشی و خاموشی!

ما از پدران خود ننگ می‌داریم یا خود را فراموش کرده‌ایم؟ مگر

نمی‌دانیم:

کسی که از پدران ننگ داشت ناخلف است

که مرد را شرفِ باب و مام نام دهد

(دیوان بهار، ۵۹۶/۱)

* * *

کتابچه حاضر حاوی مقالات و یافته‌هایی ارزشمند درباره جشن

فرخنده سده به قلم تنی چند از دانشمندان آن روز ایران - که همگی

آن‌ها جز یک تن امروز در میان ما نیستند - ۶۸ سال پیش برای نخستین بار در سلسله آثار انجمن ایرانشناسی به چاپ رسیده و هشدار داده است به نسل ایرانی آن روز که خود را از یاد نبرند. چاپ دوباره آن در روزگار ما می‌تواند به عنوان یک امر تاریخی، یادآور این حقیقت تلخ باشد که سنت‌هایی از قبیل جشن سده، امروز تنها در میان شمار کمی از زردشتیان ایران گرامی داشته می‌شود و نسل حاضر فقط می‌تواند از طریق کتاب‌هایی از این قبیل، به آنچه پیشینیان ما در این باره نوشته و بدان عمل می‌کرده‌اند، آگاه شود.

این پژوهش، اهم اطلاعاتی را که تا آن روز، در مورد سده در کتب پیشینیان و پژوهش‌های آن روزیان در اختیار بوده، در خود جای داده است. بدیهی است که پس از آن هم مقالات و پژوهش‌های میدانی اندک و بسیار دیگری بر این افزوده شده که اگر می‌خواستیم کار کاملتری در این موضوع به نسل حاضر عرضه کنیم، سزاوار می‌بود که آن‌ها را هم بر این مجموعه می‌افزودیم؛ اما در حال حاضر ترجیح دادیم این کار را به همین صورت که می‌بینید عیناً و بی‌کم و زیاد به شما پیشکش بریم، برای آن‌که این کتاب با نام‌هایی که به عنوان نویسنده برایشانی دارد، دیگر یک سند تاریخی محسوب می‌شود و حق چنان است که عیناً در معرض استفاده جویندگان قرار گیرد.

امید است فرصت و فراغت دست دهد تا همه نوشته‌های مربوط به این جشن فرخنده اعم از مطالب این کتاب و مقالاتی که بعداً نوشته

شده، روزی یکجا در اختیار علاقه‌مندان به سنت‌های ایرانی قرار گیرد، و امید بیشتر آنکه ما به خود آیم و با گرمی داشت سنت‌های دیرین ایرانی از میراث فرهنگی کهنسال خود پاسداری کنیم.

محمد جعفر یاحقی

مدیر فرهنگسرای فردوسی

به نام دادار جهان، به یاد ایران باستان

«جشن سده» نخستین نامه ایست که انجمن ایرانشناسی در دسترس خوانندگان ارجمند می گذارد. این انجمن که در ششم مهرماه ۱۳۲۴ خورشیدی تأسیس شده؛ در دومین جلسه آن (بیست و دوم همان ماه) بنا به پیشنهاد نگارنده به تألیف این نامه پرداخت. چون در آن تاریخ، سده که یکی از بزرگترین جشن های باستانی است؛ در پیش بود، اعضای انجمن پیشنهاد نگارنده را به جا دیده بر آن شدند که نخستین نشریه علمی انجمن به این جشن آتش افروزی دیرین اختصاص داده شود و تا دهم بهمن ماه که هنگام این جشن فرخنده است، به پایان رسد. انجمن ایرانشناسی امیدوار است در جزء انتشاراتی که در نظر دارد، چند نامه در باره جشن های بزرگ مانند نوروز و مهرگان و تیرگان و بهمنگان - (بهمنجنه) فراهم آورد و سنت های کهنسال ایرانیان را در آن ها یادآوری کند و از این رو در زمینه تاریخ و ادب خدمتی انجام دهد.

در این چند سال گذشته، در مجله‌ها و روزنامه‌ها در باره سده مقالاتی نوشته شده و در هر سال در دهم بهمن ماه، در جشنی که انجمن زرتشتیان می‌آراید، در باره آیین سده سخنرانی کرده‌اند اما هیچ یک از این نویسندگان و سخنوران آنچنان که باید به این موضوع پرداخته‌اند به این معنی: چون مقاله یا سخنرانی اینان بیش از آنچه نوشته و گفته‌اند گنجایشی نداشته، به گرد آوردن همه مآخذ نیازمند نبودند.

مطالبی که در برخی از این مقالات نگاشته شده در مقالات دیگر دیده نمی‌شود و بسا نیز مطالبی در نوشته‌های پیشینیان در این موضوع آمده که در مقالات هیچکدام از آنان یاد نگردیده است. در این نامه که به دستگیری بیست تن از نویسندگان گردآوری شده، می‌توان گفت تا اندازه‌ای حق این جشن بزرگ ادا شده است.

گذشته از کاوش آنان در هنگام چندین ماه و مراجعه به پنجاه کتاب، برخی از آنان یادداشت‌هایی را که در پیش اندوخته بودند یعنی نتیجه تحقیقات سال‌های گذشته خود را به دسترس همدیگر گذاشتند و نقایص یادداشت‌ها را از میان برداشتند.

با وجود این می‌توان احتمال داد که باز در طی صفحات آثار پیشینیان از نظم و نشر، مطالبی در باره سده باشد که به نظر گردآورندگان این نامه نیامده باشد، یعنی که به آن اسناد دسترسی نداشتند و اگر داشتند وقت بیشتری لازم بود تا برخی از کتب را که احتمال می‌رفت در آن‌ها ذکری از سده شده باشد از آغاز تا انجام و یا دست کم چند

فصلی از آن‌ها را بخوانند، چنانکه کتاب‌های پهلوی را که به ما رسیده، دوست‌ارجمند ما آقای ماهیار نوایی بازرسی کردند و چیزی در آن‌ها در باره سده نیافتند. اگر اتفاقاً باز خبری در تألیفات پیشینیان در این موضوع یافته شود شاید ذکرى باشد از آیین آتش‌افروزی سده در قرون وسطی در یکی از شهرهای ایران، یا سرودی باشد از یک شاعر ایرانی یا عرب در تعریف این جشن، مانند اینگونه خبر و شعر مکرراً در کتب پیشینیان دیده شده و در این نامه آورده شده است.

هر آنچه از اسناد قدیم در باره سده به دست آمده، آنچنان که بوده با کمال امانت در این نامه یاد گردیده است هر چند که برخی از آن‌ها ناروا و ننگین و نمودار تعصبی است که یکی از گزنده‌های اهریمنی است. به عقیده نگارنده در سخن از ایران باستان در هر جای از اسناد کهن، خواه از یونانیان و رومیان و خواه از تازیان و ایرانیان، ناروایی یافتیم و ناسزائی دیدیم باید یاد کنیم، زیرا آنچنان که از بی ادبان ادب آموزند، از کین توزان و متعصبان نیز از کینه و تعصب رهائی یابند. به ویژه تعصب قرون وسطی که دل و دیده برخی از ایرانیان را چنان تیره و تار ساخته بود که خود را هم ندیدند و از آنچه مایه سرافرازی آنان بود به زشتی یاد کردند و نیاکان پارسای خود را گمراه و خوار شمردند.

اینگونه تعصب، امروزه غیرت و حس هر ایرانی میهن پرست را بیش از پیش تحریک می کند و از این آسیب دوزخی که بی شک یکی از اسباب ویرانی این سرزمین و مایه پریشانی ماست بیزار می سازد.

در میان گردآورندگان این نامه یازده تن از آنان از اعضای انجمن ایرانشناسی می باشند.

در کار این تألیف برخی از آنان بیشتر از برخی دیگر رنج برده اند، اما به هیچ روی، رنج و ارزش کار خود را با همدیگر نسنجیدند بلکه علاقه مشترک خود را نسبت به مرز و بوم خود اندازه گرفته آنچه فراهم کرده اند برادرانه روی هم گذاشته تقدیم هم میهنان گرامی می کنند.

این نامه هر چند خرد و ناچیز باشد، نمودار این است که به دستیاری همدیگر می توان خدمات بزرگتری انجام داد.

امید است در آینده، انجمن ایران شناسی بتواند با همه دانشمندان این دیار یکدل و یک زبان با انتشارات بهتر و بزرگتری، فروغ دیرین این کشور خموش کنونی را بنمایاند تا آنچنان که شاید فرزندان این خاک کاشانه نیاکان خود را بشناسند، از سستی و بیچارگی روی گردانند و از زندگی ننگین به در آیند. بشود به یاد روزگاران گذشته به آباد کردن خاک ویران شده پدران نامدار خود دلگرم شوند، خود را فرزندان برازنده دلیران دانند، با دیو دروغ بستیزند، از تن پروری پرهیزند.

آری آنانی که ایران باستان را شناختند و از پدران رادمرد خود آگاه گشتند این خاک را که میراث مقدس آنان است نگاهداری و آبادان خواهند کرد و دیو بینوائی را از سرای خود دور خواهند داشت.

جشن سده / ۱۹

خوانندگان گرامی! غرور ملی که یک شراره آسمانی است، مایه
رستگاری ماست؛ آتش سده که این نامه گویای آنست نمونه‌ایست از
شراره مینوی نیاکان ما.

پورداود

تهران - بهمن ۲۵۵۷ مادی

برابر ۱۳۲۴ خورشیدی

* * *

توضیح: تاریخ مادی مذکور در نشریه حاضر تاریخ فتح نینوا (۶۱۲ پیش از میلاد) به دست هووخشتر سومین پادشاه ماد است که علاوه بر سال هجری خورشیدی، تاریخ رسمی انجمن ایرانشناسی محسوب می شود.

* * *

از دانشمندان ارجمند آقایان سعید نفیسی و حبیب یغمائی که یادداشت های مفیدی در باره جشن سده به انجمن داده اند سپاسگزاری می نماید و همچنین به آقایان جمشید سروشیان کرمانی و بهمن پوروشسب و پرویز شهریاری و بهرام خدابخش رئیسی که اطلاعات سودمند خود را در باره جشن سده کرمان، توسط آقای رستم گیو نماینده مجلس شورای ملی و رئیس محترم انجمن زرتشتیان، به انجمن ایرانشناسی داده اند سپاس فراوان خود را تقدیم می دارد.

در پایان از خوانندگان گرامی این مجموعه درخواست می شود که اطلاعات خود را (به شرط اینکه در رساله حاضر ثبت نشده باشد) به انجمن ارسال دارند تا در چاپ دوم این مجموعه با ذکر نام آنان درج گردد.

انجمن ایرانشناسی

دیباچه

یکی از دلائل عظمت تمدن ایران باستان وجود جشن‌های بزرگ ملی است که نظیر آن‌ها را در میان ملت‌های دیگر کمتر می‌توان یافت. جشن، نتیجه آسایش و به عبارت دیگر حسن تدبیر در امور اجتماعی و فردی و بالتجیه نشانه بزرگ کمال تمدن یک قوم است، بنابراین اگر هیچ‌گونه دلیلی برای نمایاندن کمال معنوی و مادی ایران باستان در میان نبود، همین یک دلیل می‌توانست ما را به حقایق انکارناپذیری راهنمایی کند، زیرا بسیار واضح است که تا اندیشه آدمی از بند سختی‌های زندگی نرهد و دل را خلوتگاه مهر و آسایش نیابد، هیچ‌گاه نوشخندی بر لب نتواند داشت، و دست‌افشانی و پای‌کوبی که مظهر بارز شادمانی و نشاط است، از سرور وی حکایت نخواهد کرد، و جشن و صالی چنانکه سعدی گفت، علی‌رغم دشمن تنگدستی و سختی، فراهم نخواهد گشت.

در آیین زرتشت و میان ایرانیان قدیم بیش از همه مذاهب و ملل به جشن ها توجه شده است و از میان این جشن ها برخی تنها مذهبی و برخی هم مذهبی و هم ملی بوده اند. جشن سده یکی از این جشن ها است که نه تنها از لحاظ مذهب اهمیت بسیاری داشت، بلکه در میان عامه مردم نیز بدان توجه فراوان می شد و به همین سبب یاد آن نیز از خاطر ایرانیان محو نشده است و با جزئی ترین توجهی ممکن است که آن را به همان شکوه دیرین بازگردانید. این جشن یکی از جشن های آتش و بزرگترین آنهاست که از روزگاران کهن در ایران وجود داشته است و آتش یکی از آن عناصری است که کشف و ایجاد آن در تمدن و ترقی حیات بشر تأثیر به سزائی داشته و به همین جهت خاطره اکتشاف آن چون خاطره عزیزترین موهبتی در ذهن آدمی پایدار مانده است.

در پایان این مجموعه به جشن های آتشی که در ایران وجود داشته است به تفصیل اشاره خواهیم کرد و اینک به توجیه نام و چگونگی اشتقاق کلمه سده پرداخته، سپس مراسم و تاریخچه آن را متذکر می گردیم.